

مدل مفهومی حلم بر اساس منابع اسلامی با تأکید بر کنترل خشم

رسول هاشمی^۱، حمزه عبدی^۲

چکیده

حلم یکی از مفاهیم مهم در فرهنگ اسلامی است که ارتباط تنگاتنگی با موضوع پر دامنه «تنظیم هیجان» به‌ویژه «تنظیم خشم» در روان‌شناسی دارد. این پژوهش با هدف کشف مدل مفهومی حلم بر اساس منابع اسلامی با تأکید بر کنترل خشم انجام شده است. در فرایند این پژوهش، پس از جمع‌آوری آیات و روایات مرتبط، با استفاده از روش «تحلیل محتوای کیفی عرفی»، ۴ مقوله اصلی «ماهیت حلم»، «شرایط زمینه‌ای»، «شرایط علی» و «پیامدها» استخراج و مدل مفهومی حلم ارائه شد. «ماهیت حلم»، به نوبه خود شامل ۳ مقوله میانی «مؤلفه‌ها»، «نمودهای اجتماعی» و «ویژگی‌ها» است. هسته مرکزی این مدل را مؤلفه‌های حلم تشکیل می‌دهند که عبارت‌اند از: «گرایش به نابرانگیختگی»، «بالا بودن آستانه خودمهارگی»، «کاربست راهبردهای تنظیم هیجان»، «پردازش موقعیت» و «واکنش اجتماعی خردمندانه». شرایط زمینه‌ای حلم، نیز در ۳ مقوله میانی «عوامل شکل‌دهنده ساختار روانی»، «توانمندی‌های روانی» و «زمینه‌های هیجانی» جای می‌گیرند. شرایط علی حلم، مجموعه‌ای از شناخت‌ها و توجه‌های حلیمانه را دربر می‌گیرد که عبارت‌اند از: شناخت و توجه به «خدا، کمال و فضیلت بودن حلم، فواید و پیامدهای مثبت حلم، خطرات و پیامدهای ناگوار خشم، پیوندها (ی انسانی، ایمانی و خانوادگی)، اهداف و کارهای مهم خود، ارزش خود و امور منسوب به خود، توانمندی‌های خود، ویژگی‌های مثبت طرف مقابل، نیت‌ها و شرایط روحی طرف مقابل». پیامدهای حلم نیز، شامل دو مقوله میانی «پیامدهای اجتماعی» و «پیامدهای فردی» است.

کلیدواژه‌ها: حلم، تنظیم هیجان، کنترل خشم، پرخاشگری، تحلیل محتوای کیفی، منابع اسلامی

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی - مثبت‌گرا، گروه روان‌شناسی، دانشگاه قرآن و حدیث، قم،

ایران (نویسنده مسئول): rhashimmi@gmail.com

۲. استادیار، گروه اخلاق و روان‌شناسی اسلامی، پژوهشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.

Conceptual model of Hilm based on Islamic sources with emphasis on anger control

Rasool Hashemi^۱ Hamze Abdi^۲

Hilm is one of the important concepts in Islamic culture, which is closely related to the wide-ranging topic of "regulation of emotion", especially "regulation of anger" in psychology. This research was conducted with the aim of discovering the conceptual model of Hilm based on Islamic sources with an emphasis on anger control. In the process of this research, after collecting related verses and narrations, using the method of "conventional qualitative content analysis", 4 main categories of "nature of Hilm", "contextual conditions", "causal conditions" and "consequences" were extracted and a conceptual model of Hilm was presented. "Hilm's nature", in turn, includes 3 middle categories of "components", "social features" and "characteristics". The central core of this model is made up of components of Hilm, which include: "tendency to apathy", "high self-control threshold", "use of emotion regulation strategies", "situation processing" and "wise social reaction". Hilm's contextual conditions are also included in the 3 middle categories of "psychological structure forming factors", "psychological strength" and "emotional contexts". The causal conditions of Hilm include a set of cognitions and attentions of Hilm, which include recognition and attention to: "God, the perfection and virtue of Hilm, the benefits and positive consequences of Hilm, the dangers and unfortunate consequences of anger, human, (religious and family) bonds, one's goals and important tasks, one's value and things attributed to one's self, one's capabilities, the other party's positive characteristics, the other party's intentions and mental conditions. Hilm's consequences also include two middle categories of "social consequences" and "individual consequences".

۱

۲

«تنظیم هیجان»^۱ یکی از موضوعات پر دامنه در روان‌شناسی است که پیامدهای مهمی مانند سلامت روان^۲ (گروس و مونوز^۳، ۱۹۹۵)، سلامت جسمانی^۴ (سپالاسکی^۵، ۲۰۰۷)، رضایت از رابطه^۶ (موری^۷، ۲۰۰۵) و بهبود عملکرد کاری^۸ (دیفندورف^۹ و همکاران، ۲۰۰۰) را به دنبال دارد (کول^{۱۰}، ۲۰۱۰). مفاهیم و سازه‌های فراوانی در روان‌شناسی، با تنظیم هیجانات مرتبط هستند؛ از جمله: خودمهارگری^{۱۱} (تایس^{۱۲} و همکاران)، خودتنظیم‌گری^{۱۳} (کول، ۲۰۰۹)، تأخیر در ارضاء^{۱۴} (لورسن و آیداک^{۱۵}، ۲۰۱۴) و کارکردهای اجرایی مغز^{۱۶} (زلازو و کیونینگام^{۱۷}، ۲۰۰۷) از جمله بازدارنده‌های پاسخ^{۱۸} (هندریکس و بوکانان^{۱۹}، ۲۰۱۶)؛

-
۱. Emotion regulation
 ۲. Mental health
 ۳. Gross & Muñoz
 ۴. Physical health
 ۵. Sapolsky
 ۶. Relationship satisfaction
 ۷. Murray
 ۸. Work performance
 ۹. Diefendorff
 ۱۰. Koole
 ۱۱. Self-control
 ۱۲. Tice
 ۱۳. Self-regulation
 ۱۴. Delay of gratification
 ۱۵. Luerssen & Ayduk
 ۱۶. Executive functions of brain
 ۱۷. Zelazo & Cunningham
 ۱۸. Response inhibitory
 ۱۹. Hendricks & Buchanan

همچنین تکانشگری^۱ (شرایبر^۲ و همکاران، ۲۰۱۲) و پرخاشگری^۳ (رابرتون^۴ و همکاران، ۲۰۱۲) به عنوان دو سازه مقابل و ناهمسو با تنظیم هیجان.

در متون اسلامی نیز مفاهیم و واژگان متعددی در رابطه با تنظیم هیجانات یافت می‌شود؛ مفاهیمی مانند: «عقل»، «تقوا»، «عفت»، «حیا»، «صبر»، «حلم» و «کظم غیظ» (رفیعی هنر، ۱۳۹۵). کثرت این مفاهیم و واژگان، از اهمیت و گستره دامنه معنایی این موضوع در متون اسلامی خبر می‌دهد. برای دست یافتن به فهمی جامع از موضوع تنظیم هیجان از منظر منابع اسلامی، لازم است که همه مفاهیم پیش گفته به صورت روشمند مورد پژوهش قرار گیرند. در همین راستا، در پژوهش حاضر مفهوم «حلم» با برگردان فارسی «بردباری» (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۹۱۸۲)، در کانون توجه قرار گرفته است. در یازده آیه از قرآن کریم که عمدتاً مواضعی است که جایگاه فعالیت هیجان خشم است، خداوند با صفت حلیم معرفی و ستوده شده است (بقره: ۲۲۵، ۲۳۵، ۲۶۳؛ آل عمران: ۱۵۵؛ نساء: ۱۲؛ مائده: ۱۰۱؛ حج: ۵۹؛ تغابن: ۱۷؛ اسراء: ۴۴؛ احزاب: ۵۱؛ فاطر: ۴۱). توصیف خداوند با این وصف، نشان از کمال و فضیلت آن دارد. افزون بر آن، پیامبرانی همچون ابراهیم (توبه: ۱۱۴؛ هود: ۷۵)، اسماعیل (صافات: ۱۰۱) و شعیب (هود: ۸۷) نیز با صفت حلیم معرفی شده‌اند. این امر از آن رو اهمیت دارد که از منظر قرآن، پیامبران، هدایت‌یافتگانی هستند که شایسته است انسان به هدایت‌یافتگی آنان اقتدا و از آنان پیروی کند (انعام: ۹۰). در این میان، انصاف ابراهیم به صفت حلم، اهمیت پرداختن به این مفهوم را از منظر قرآن، بیشتر آشکار می‌کند؛ چراکه قرآن کریم، ابراهیم را الگویی نیکو معرفی می‌کند (ممتحنه: ۴) و او را «شخصیت معتدل و میانه‌رویی» می‌داند که شایسته است از آیین او پیروی شود^۵ (نساء: ۱۲۵). با توجه به اینکه «اعتدال و میانه‌روی»، در بستر تنظیم هیجان امکان‌پذیر است، ویژگی‌های ابراهیم که در قرآن ذکر شده است (از جمله صفت حلیم)، می‌توانند ویژگی‌های کلیدی مرتبط با تنظیم هیجان باشند.

افزون بر قرآن کریم، روایات پرشماری به شکل‌های گوناگون به بیان جایگاه،

۱. Impulsivity

۲. Schreiber

۳. Aggression

۴. Robertson

۵. وَ مَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا.

اهمیت و فضیلت حلم پرداخته‌اند که به نظر می‌رسد تنظیم هیجان در تحقق آنها نقش مؤثری دارد؛ چراکه هیجانات افسارگسیخته معمولاً مانع تحقق این امور می‌شوند. از منظر روایات، حلم، زمینه‌ساز فهم مسائل عمیق (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۷)، زیبایی بخش عالمان و دانشمندان (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۵۵) و صفتی لازم و شایسته برای آنان است (ابن شعبه، ۱۳۶۳، ص ۲۹۲). حلم، پیامدهای مثبت اجتماعی فراوانی برای شخص حلیم به همراه دارد؛ از جمله، شرافت، عزت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۹ و ص ۲۱)، جایگاه والای اجتماعی (ابن شعبه، ۱۳۶۳، ص ۸۰)، محبوبیت اجتماعی (رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۴۱۸)، ستوده شدن از سوی مردم (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۱)، برخورداری از حمایت‌های اجتماعی در منازعات (رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۲۰۶ و ۲۲۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۱۲) و پیروزی در نزاع‌ها (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۷؛ ج ۲، ص ۳۰۱). افزون بر آن، حلم، یکی از ویژگی‌هایی است که باید برای احراز برخی از مسئولیت‌ها، مشاغل و جایگاه‌های مهم اجتماعی احراز شود؛ از جمله، امامت و رهبری (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۰۷) و کارگزاری و فرماندهی (مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۲). «فهم روشمند مفهوم حلم» گامی مهم در راستای کشف ابعاد گوناگون این مفهوم ارزشمند است که می‌تواند مقدمه‌ای برای کاربست آن در سطح سنجش و مداخله باشد.

افزون بر کتاب‌های لغت و کتاب‌های اخلاقی که به موضوع حلم به عنوان یک واژه یا یک صفت اخلاقی پرداخته‌اند، تاکنون پژوهش‌های متعددی با محوریت موضوع حلم صورت گرفته است؛ به عنوان نمونه، بذرگر (۱۳۹۵)، مختاری، شیخ حسینی و نظیری سنجانی (۱۳۹۵)، دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۵)، فلاح و عوافی (۱۳۹۴؛ ۱۳۹۶)، ایزوتسو (۱۳۷۳)، آسیابان سرنجی (۱۳۹۶)، ملکی بابویزی (۱۴۰۰)، شریفی اصفهانی (۱۳۹۶)، میری و فائزی (۱۳۹۶)، خرقانی و معافی (۱۳۹۵)، رفیعی هنر (۱۳۹۵) و بهرامی، عبدی و خطیب (۱۳۹۸) در پژوهش‌های خود به موضوع حلم پرداخته‌اند.

اما در این پژوهش‌ها معمولاً به شیوه جمع‌آوری داده‌ها اشاره نشده است؛ از این رو این احتمال جدی وجود دارد که داده‌های تأثیرگذاری در متون اسلامی وجود داشته باشد که هنوز احصا و جمع‌آوری نشده باشد. افزون بر آن، به جز پژوهش بهرامی (۱۳۹۸)، در هیچ‌یک از پژوهش‌های صورت گرفته، مدل مفهومی روشنی که در آن مؤلفه‌های ساختاری مفهوم حلم به‌ویژه از منظر روان‌شناختی ارائه شود، به دست نیامده است؛ آنچه ارائه شده و به دست آمده، تحلیل‌هایی درباره‌ی واژه و مفهوم حلم و برخی واژه‌های مرتبط با

آن در متون لغت، اشعار جاهلی، آیات و روایات بوده است. پژوهش بهرامی (۱۳۹۸) اولین پژوهشی است که موضوع حلم را از منظر روان‌شناختی در کانون توجه قرار داده است و از این‌رو ارزشمند و راهگشا است ولی مشکلاتی در فرایند این پژوهش به چشم می‌خورد؛ از جمله، «عدم بهره‌گیری کامل از آیات قرآن به عنوان مهم‌ترین و معتبرترین متن اسلامی»، «عدم جمع‌آوری کامل روایات در باب حلم»، «عدم بهره‌گیری کافی از کلیدواژه‌هایی که پیرامون حلم در روایات مطرح شده است؛ مانند سفه، جهل، غضب، کظم غیظ» و در نهایت «عدم بررسی کامل و دقیق لغوی ریشه حلم برای دستیابی به گوهر معنایی آن» (ر.ک: هاشمی، ۱۴۰۱). با توجه به اهمیت مفهوم‌شناسی روشمند حلم و خلأ موجود در این حوزه، پژوهش حاضر بر آن است که به‌صورت روشمند، مدل مفهومی حلم را با استفاده از منابع اسلامی (قرآن و کتاب‌های معتبر حدیثی شیعه) استخراج کند.

روش پژوهش

از منظر روش‌شناختی، پژوهش حاضر پژوهشی کیفی است که در آن از شیوه تحلیل محتوای عرفی^۱ (سیه و شانون^۲، ۲۰۰۵) استفاده می‌شود. در این شیوه، گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط‌اند. پژوهشگر بدون اینکه نظریه پیشین را مبنای پژوهش قرار دهد، هم‌زمان با جمع‌آوری هدفمند داده‌ها، کار را بر روی داده‌ها آغاز می‌کند و اجازه می‌دهد نظریه از درون آنها پدیدار شود. محقق بر اساس ادراک و فهم خود از متن مورد مطالعه، نوشتن تحلیل اولیه را آغاز می‌کند تا زمینه‌هایی برای ظهور کدها فراهم شود. در ادامه، کدهای ظهوریافته از متن مورد مطالعه، بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان به‌صورت خوشه‌های معنادار مقوله‌بندی می‌شوند. بسته به کیفیت ارتباط بین زیرمقوله‌ها، محقق می‌تواند با ترکیب و سازماندهی این زیرمقوله‌ها، آن‌ها را به شمار کمتری از دسته‌بندی (مقوله) تبدیل کند. در مرحله بعدی تعاریفی برای هر مقوله و زیرمقوله و کد صورت می‌گیرد. در واپسین مرحله از تحلیل محتوای کیفی، مضامین و معانی اساسی موجود در مقوله‌ها در قالب یک تم یا الگوی مفهومی با هم مرتبط می‌شوند (ر.ک: سیه و شانون، ۲۰۰۵ و ایمان، ۱۳۹۰؛ تیمورنژاد و عبدی، ۱۴۰۱).

۱. Conventional content analysis

۲. Hsieh & Shannon

به عنوان یک گام مقدماتی برای کسب بینش اولیه نسبت به موضوع پژوهش، به لغت‌نامه‌های معتبر کهن مراجعه شد. در این گام، تعدادی از واژگان مرتبط با حوزه معنایی حلم مانند «عقل» (ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۳۶۶؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ج ۱، ص ۱۴۰)، «أناة» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۴۷ و ج ۸، ص ۴۰۱؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۱۹۰۳)، «جهل» (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۴۹۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۸۹)، «سَفَه» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۹؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۲۳۴؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۲۲)، «طیش» (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۸۶۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۹۳) و «غَضَب» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲)، کشف شد. این گام مقدماتی، بینش‌های لازم را برای اتخاذ راهبردهای مناسب به منظور نمونه‌گیری هدفمند^۱، از منابع اسلامی فراهم آورد. پژوهشگران کیفی عموماً از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌کنند (خنیفر و مسلمی، ۱۴۰۱، ص ۳۰).

با توجه به اینکه هدف این پژوهش، کشف مؤلفه‌های مفهومی حلم از منظر متون اسلامی است، متن کامل قرآن کریم و نیز همه روایات کتاب‌های حدیثی شیعی در رتبه «الف» و «ب» (طباطبایی، ۱۳۹۳) موجود در نرم‌افزار «جامع الأحادیث ۳،۵»^۲ (بالغ بر ۵۱ کتاب حدیثی)، به عنوان جامعه متون اسلامی در نظر گرفته شد. با بهره‌گیری از شیوه نمونه‌گیری هدفمند (پتی^۳ و همکاران، ۲۰۱۲؛ به نقل از: مؤمنی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۰۲) و بر اساس اصل اشباع در حجم نمونه (گلیسر و استراوس^۴، ۱۹۶۷)، تعداد ۶۵ آیه و بیش از ۲۲۰ متن حدیثی انتخاب و بررسی گردید. در شیوه نمونه‌گیری هدفمند، پژوهشگر مستقیماً به سراغ نمونه‌هایی می‌رود که دارای ویژگی «غنا اطلاعاتی» درباره موضوع پژوهش هستند (پیتون^۵، ۱۹۹۰، ص ۱۹۶)؛ البته «راهبردهایی»^۶ که پژوهشگر برای دستیابی به

۱. Purposive sampling

۲. تولید مرکز خدمات کامپیوتری علوم اسلامی.

۳. Petty

۴. Glaser & Strauss

۵. Patton

۶. Strategies

این نمونه‌ها اتخاذ می‌کند باید قابل دفاع باشند (کرسول^۱، ۲۰۱۲). راهبردهای به‌کاررفته در این پژوهش برای نمونه‌گیری هدفمند عبارت بودند از: جستجوی ریشه‌ای «حلم»، «جهل»، «سفه» و «غضب» با استفاده از نرم‌افزار «جامع الأحادیث ۳،۵» و «جامع التفاسیر ۳،۲»، مراجعه به ابواب مرتبط در کتاب‌ها و جوامع حدیثی از جمله الکافی و بحارالأنوار و در نهایت، مراجعه به مدخل‌های مرتبط در نرم‌افزار «معجم موضوعی بحارالأنوار ۲،۳». با توجه به محوریت ریشه حلم در این پژوهش، در مرحله کدگذاری، تأکید و تمرکز بیشتر بر آیات و روایات حاوی ریشه حلم بود.

پس از گردآوری متون، فرایند کدگذاری باز با بررسی دقیق متون انتخابی آغاز شد. درحین استخراج کدهای باز و نیز پس از آن، با مقایسه مکرر میان کدهای باز و تلاش برای کشف نقاط مشترک میان آنها و با در نظر گرفتن مفهوم حلم، به عنوان مفهوم محوری، کدهای باز در ذیل مقوله‌های بیانگر مفهوم حلم قرار گرفتند. پس از مقوله‌بندی کدهای باز، نتایج حاصل به سه تن از کارشناسان متخصص در حوزه علوم اسلامی و روان‌شناسی ارائه شد تا میزان موافقت خود را نسبت به استنباط این مقوله‌ها از متون اسلامی تعیین کنند. پس از دریافت نظرات کارشناسان و در فرایند پژوهش، مقوله‌های استخراج شده بارها بازبینی و اصلاح شد و در نهایت مؤلفه‌های ارائه شده در جدول ۲ به دست آمد. در پایان، با تلاش برای کشف ارتباط میان مؤلفه‌های به‌دست آمده، همه آنها یکپارچه و مدل مفهومی آن، در نمودار ۱ ارائه گردید.

برای بررسی روایی یا اعتبارپذیری^۴ (به اصطلاح پژوهش‌های کیفی)، از شیوه مثلث‌سازی^۵ استفاده شد که در آن تلاش می‌شود از راه‌های مختلف، شواهدی برای تأیید یافته‌ها جمع‌آوری شود (کرسول، ۲۰۱۲، ص ۲۵۹). این کار با مقایسه یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های پیشین و همچنین مقایسه آنها با برخی از یافته‌های تجربی روان‌شناسانه مرتبط، انجام گرفت و اعتبارپذیری یافته‌ها مطلوب ارزیابی شد. یکی دیگر از

۱. Creswell

۲. تولید مرکز خدمات کامپیوتری علوم اسلامی

۳. تولید مرکز خدمات کامپیوتری علوم اسلامی

۴. Credibility

۵. Triangulation

راه‌های متداول تقویت اعتبارپذیری، استفاده از شیوه حسابرسی توسط افراد خارج از پژوهش^۱ است که در میانه پژوهش یا هنگام نتیجه‌گیری صورت می‌گیرد (همان، ص ۲۶۰). چنان‌که، در این پژوهش نیز در مراحل پایانی، یافته‌ها توسط سه نفر از کارشناسان بیرون از پژوهش، حسابرسی شد و دیدگاه‌های آنها در فرایند کدگذاری و مقوله‌بندی نهایی مد نظر قرار گرفت.

یافته‌ها

در فرایند مفهوم‌شناسی حلم در بستر آیات و روایات با روش تحلیل محتوای کیفی، بیش از ۷۵۰ کد باز به دست آمد که پس از پالایش، گزینش و ویرایش، تعداد آنها به ۴۶۰ کد باز رسید (ر.ک: هاشمی، ۱۴۰۱). نمونه‌ای از کدهای باز ثبت‌شده، در جدول ۱ ارائه شده است.

پس از بررسی‌ها و بازبینی‌های مکرر، این کدهای باز در ۶۶ خرده‌مقوله و سپس ۹ مقوله میانی و در نهایت ۴ مقوله اصلی جای گرفتند. نتایج حاصل از این بررسی در جدول شماره ۲ گزارش شده است.

جدول ۱ نمونه‌ای از کدهای باز

رقم	منبع	متن	کد باز
۱	الفقیه، ۳۸۳/۴	قَالَ فَمَنْ أَحْلَمَ النَّاسِ قَالَ الَّذِي لَا يَغْضَبُ	حلیم‌ترین فرد کسی است که خشمگین نمی‌شود.
۲	عیون، ۳۱۹/۱ معانی، ۸۳	وَجُمِعَ لَهُ الْحِلْمُ فِي الصَّبْرِ فَكَانَ لَا يَغْضِبُهُ شَيْءٌ وَلَا يَسْتَفْزُهُ	کسی که حلم و صبر را با هم داشته باشد، هیچ چیز او را خشمگین و برانگیخته نمی‌کند.
۳	تحف، ۱۴	وَإِذَا قِيلَ لَكَ اتَّقِ اللَّهَ فَأَنْبِذْ غَضَبَكَ وَرَاجِعْ حِلْمَكَ	حلم سبب می‌شود شخص غضبش را دور اندازد.
۴	الکافی، ۵۳/۸	وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحَلِيمَ الْعَلِيمَ... فَلَيْسَ يَتَدَيُّ الْعِبَادَ بِالْغَضَبِ قَبْلَ أَنْ يَغْضِبُوهُ	شخص حلیم بی‌جهت و به‌سادگی خشمگین نمی‌شود.

رقم	منبع	متن	کد باز
۵	نهج البلاغه، نامه ۵۳	وَ أَفْضَلُهُمْ حِلْمًا مِمَّنْ يَبْطِئُ عَنِ الْغَضَبِ وَ يَسْتَرِيحُ إِلَى الْعُذْرِ وَ يَرَأْفُ بِالضُّعْفَاءِ وَ يَنْبُو عَلَى الْأَقْوِيَاءِ وَ مِمَّنْ لَا يَثِيرُهُ الْعُتْفُ وَ لَا يَقَعْدُ بِهِ الضَّعْفُ	درشتی کردن و سخت گیری، شخص حلیم را بر نمی‌انگیزاند.
۶	الکافی، ۳۷۲/۸	فَفَغَضِبَ الْمَلِكُ إِبْرَاهِيمَ عَلَى فَتْحِهِ فَلَمَّا رَأَى سَارَةَ لَمْ يَمْلِكْ حِلْمُهُ سَفَهَهُ أَنْ مَدَّ يَدَهُ إِلَيْهَا	حلم نوعی قدرت بر کنترل و مهار است.
۷	الکافی، ۴۰۷/۱	لَا تَصْلُحُ الْأَمَانَةُ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَ حِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ...	حلم نوعی مالکیت و مهار خشم را نتیجه می‌دهد.
۸	الکافی، ۲۸۵/۴	مَا يَعْبَأُ مَنْ يَوْمَ هَذَا الْيَوْمِ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ خُلِقَ يَخَالِقُ بِهِ مَنْ صَحِبَهُ أَوْ حِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ مِنْ غَضَبِهِ أَوْ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ	حلم نوعی مالکیت و مهار خشم را نتیجه می‌دهد.
۹	الکافی، ۲۸۶/۴	مَا يَعْبَأُ مَنْ يَسْئَلُكَ هَذَا الطَّرِيقَ إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَ حِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَ حُسْنُ الصُّحْبَةِ لِمَنْ صَحِبَهُ	حلم نوعی مالکیت و مهار خشم را نتیجه می‌دهد.
۱۰	الکافی، ۱۴۹/۸ تحف، ۲۴	وَ الْحِلْمُ يَغْلِبُ الْغَضَبَ وَ الرَّحْمَةُ تَغْلِبُ السَّخَطَ وَ الصَّدَقَةُ تَغْلِبُ الْخَطِيئَةَ	حلم بر غضب چیره می‌شود و آن را مهار می‌کند.
۱۱	تحف، ۵۱۲	بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ إِنَّ الْمَاءَ يَطْفِئُ النَّارَ كَذَلِكَ الْحِلْمُ يَطْفِئُ الْغَضَبَ	حلم سبب خاموش شدن و مهار آتش خشم می‌شود.
۱۲	صحیفه، ۴۸-۱۳	اللَّهُمَّ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ	حلم سبب دفع غضب می‌شود.
۱۳	المحاسن، ۲۹۲/۱	وَ مَا مِنْ جُرْعَةٍ يَتَجَرَّعُهَا عَبْدٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ جُرْعَةٍ غَيِظٍ يَتَجَرَّعُهَا عَبْدٌ يَرُدُّهَا فِي قَلْبِهِ إِمَّا بِصَبْرٍ وَ إِمَّا بِحِلْمٍ	حلم سبب فروخوردن غیظ (خشم شدید نهفته در دل) و مهار آن می‌شود.
۱۴	الکافی، ۱۱۰/۲	مِنْ أَحَبِّ السَّبِيلِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ جُرْعَتَانِ جُرْعَةُ غَيِظٍ تَرُدُّهَا بِحِلْمٍ وَ جُرْعَةُ مُصِيبَةٍ تَرُدُّهَا بِصَبْرٍ	حلم سبب فروخوردن غیظ (خشم شدید نهفته در دل) و مهار آن می‌شود.

رقم	منبع	متن	کد باز
۱۵	الکافی، ۱۱۱/۲	مَا مِنْ جُرْعَةٍ يَتَجَرَّعُهَا الْعَبْدُ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ جُرْعَةٍ غَيِظٍ يَتَجَرَّعُهَا عِنْدَ تَرَدُّدِهَا فِي قَلْبِهِ إِمَّا بِصَبْرٍ وَإِمَّا بِحِلْمٍ	حلم سبب فرو خوردن غیظ (خشم شدید نهفته در دل) و مهار آن می شود.
۱۶	الخصال، ۵۰/۱ امالی مفید، ۱۱	وَمَا مِنْ جُرْعَةٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ جُرْعَتَيْنِ جُرْعَةٍ غَيِظٍ رَدَّهَا مُؤْمِنٌ بِحِلْمٍ وَجُرْعَةٍ مُصِيبَةٍ رَدَّهَا مُؤْمِنٌ بِصَبْرٍ	حلم سبب فرو خوردن غیظ (خشم شدید نهفته در دل) و مهار آن می شود.
۱۷	المجازات النبویه، ۱۵۲	مَا تَجَرَّعَ عَبْدٌ جُرْعَةً أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ جُرْعَةٍ مُصِيبَةٍ يَرُدُّهَا بِحُسْنِ عَزَاءٍ، أَوْ جُرْعَةٍ غَيِظٍ يَرُدُّهَا بِحِلْمٍ	حلم سبب فرو خوردن غیظ (خشم شدید نهفته در دل) و مهار آن می شود.

جدول ۲ مقوله‌های اصلی، میانی و خرده‌مقوله‌های استخراج شده پیرامون مفهوم حلم

شماره کد	خرده‌مقوله	مقوله میانی	مقوله اصلی
۵-۱	گرایش به نابرانگیزگی		
۲۴-۶	آستانه بالای خودمهارگری (آستانه خودمهارگری بیش از میزان خشم)		
۳۹-۲۵	کاربست راهبردهای تنظیم هیجان (به‌ویژه درنگ و عدم عجله)	مؤلفه‌ها	
۵۳-۴۰	پردازش موقعیت		
۶۲-۵۴	واکنش اجتماعی خردمندانه		
۳۶۶-۳۶۴	اعراض و چشم‌پوشی		
۳۷۵-۳۶۶	سکوت کردن		
۳۸۱-۳۷۶	مهلت دادن		ماهیت
۳۹۸-۳۸۱	بخشیدن، گذشت، آمرزش	نمودهای	حلم
۴۰۱-۳۹۹	پذیرش توبه و عذرخواهی	اجتماعی	
۴۰۳-۴۰۲	بیان سخنان پسندیده		
۴۰۸-۴۰۴	حفظ و استمرار نعمت پیشین		
۴۱۰-۴۰۹	عدم کینه‌ورزی		
۶۹-۶۳	صفت یا رفتار بودن		
۷۵-۷۰	امری دارای مراتب		
۹۹-۹۰	اختصاص به موقعیت‌هایی که امکان اقدام جاهلانه وجود دارد	ویژگی‌ها	
۱۰۴-۱۰۰	عدم منافات با شدت رفتار و خشونت در جایگاه مناسب		

شماره کد باز	خرده‌مقوله	مقوله میانی	مقوله اصلی
۱۱۱	اختیاری بودن تلبس به حلم		
۱۱۲	امکان توقف فرایند حلم‌ورزی		
۱۱۳	امکان عدم فعلیت حلم هنگام خشم		
۱۱۴-۱۲۰	مفاهیم مقابل: جهل، سفه، طغیان، جفاء، عرامه		
۱۲۱-۱۷۳	مفاهیم مرتبط و هم‌سو: عقل، رشد، علم، صبر، درنگ کردن، بی‌نیاز، بسیار آه‌کشنده، هیبت، بازگشت‌کننده، غفور، شکور، حیا، رفق، عزیز، حکیم		
۲۶۰-۲۶۱	وراثت	عوامل	
۲۶۲-۲۶۵	محیط (تربیت، شرایط دوران رشد)	شکل‌دهنده	
۲۵۸-۲۵۹	دعای والدین پیش از تولد	ساختار روانی	
۱۷۴-۱۷۷	خردمندی		
۱۷۸-۱۸۱	بلندهمتی و گرایش به امور ارزشمند		
۱۹۶-۱۹۷	گرایش به قسط و عدالت		
۱۹۹-۲۰۴	صلاح‌گرایی و فساد‌گریزی		
۱۹۸	انصاف		
۱۸۲-۱۸۹	کرامت		
۱۹۰-۱۹۵	حق‌گرایی		
۲۰۶-۲۲۷	مهربانی و خیرخواهی	توانمندی‌های	شرایط
۲۰۵	وظیفه‌گرایی	روانی	زمینه‌ای
۲۲۷-۲۴۷	ایمان به خدا و دین‌داری		
۲۴۸-۲۵۲	تواضع و عدم تکبر		
۲۵۳-۲۵۷	روحیه نقدپذیری و تحول‌خواهی		
۲۶۶-۲۷۵	قدرت سنجش و ارزش‌گذاری		
۲۷۶-۲۷۷	خودآگاهی هیجانی		
۲۹۶-۳۲۲	مدیریت توجه		
۲۷۸-۲۸۱	همدلی		
۲۸۲-۲۸۸	علم و آگاهی		
۲۸۹-۲۹۵	حضور هیجانات مثبت	زمینه‌های	
۲۸۹-۲۹۵	نبود هیجانات منفی	هیجانی	
۲۹۶	توجه به اینکه حلم کمال و فضیلت است	شناخت و	شرایط
۴۱۱-۴۶۴	توجه به فواید و پیامدهای مثبت حلم	توجه‌های	علی
۴۶۵-۴۶۹	توجه به خطرات و پیامدهای ناگوار خشم	حلیمانه	

شماره کد باز	خرده مقوله	مقوله میانی	مقوله اصلی
۳۱۰-۳۰۷	توجه به خدا		
۲۹۸-۲۹۷	توجه به پیوندها (انسانی، ایمانی، خانوادگی)		
۲۹۹	توجه به اهداف و کارهای مهم خود		
۳۰۴-۳۰۱	توجه به ارزش خود و امور منسوب به خود		
۳۰۶-۳۰۵	توجه به توانمندی‌های خود و اینکه فرصت برای اقدام آینده هست		
۳۲۹-۳۲۲	توجه به ویژگی‌های مثبت طرف مقابل		
۳۲۲-۳۰۷	نیت‌ها و شرایط روحی طرف مقابل		
۴۱۴-۴۱۱	محبوب و مورد پسند خدا و اهل بیت شدن		
۴۱۷-۴۱۵	دستیابی به یکی از فضایل اخلاقی والا و مکارم اخلاق انبیاء		
۴۲۲-۴۱۸	دستیابی به یکی از ویژگی‌های شیعیان و مؤمنان حقیقی و صالحان		
۴۲۶-۴۲۳	دستیابی به پاداش‌های معنوی مانند نزول فرشتگان و پاداش شهید	پیامدهای فردی	
۴۲۸-۴۲۷	پایداری عمل		پیامدها
۴۳۱-۴۲۹	کسب زمینه برای فهم معارف عمیق		
۴۳۳-۴۳۲	دستیابی به زینت دانشمندان		
۴۴۲-۴۳۴	شرافت، عزت و جایگاه والای اجتماعی		
۴۴۳	محبوبیت و ستودگی میان مردم	پیامدهای اجتماعی	
۴۴۶-۴۴۴	برخورداری از حمایت اجتماعی در نزاع‌ها		
۴۴۷-۴۵۱	پیروزی در نزاع‌ها		
۴۶۴-۴۵۲	کسب شایستگی برای برخی مسئولیت‌های اجتماعی		

با توجه به یافته‌های ارائه‌شده در جدول ۲، چهار مقوله اصلی مرتبط با مفهوم‌شناسی حلم عبارت‌اند از: «ماهیت حلم»، «شرایط زمینه‌ای حلم»، «شرایط علی حلم» و «پیامدهای حلم».

در ادامه هر یک از این مقوله‌های اصلی با تفصیل بیشتری معرفی می‌شوند:

الف) ماهیت حلم

مقصود از ماهیت حلم، مجموعه اموری است که می‌توانند معرف حلم باشند و آن را از

دیگر مفاهیم متمایز سازند. این امور در سه دسته کلی «مؤلفه‌ها و عناصر فعال»، «نمودها و مصادیق رفتار حلیمانه» و «ویژگی‌های حلم» قرار گرفته‌اند.

۱. مؤلفه‌ها: عناصر فعالی که در این بخش ارائه می‌شوند، هسته مرکزی مفهوم حلم را تشکیل می‌دهند. این عناصر عبارت‌اند از:

گرایش به نابرانگیختگی: با توجه به کدهای ۱ تا ۵، شخص حلیم، در مقایسه با دیگر افراد، گرایش به این دارد که در موقعیت‌های برانگیزاننده خشم^۱، برانگیخته نشود (سخت‌برانگیختگی) و در صورت برانگیخته شدن، به میزان کمتری برانگیخته شود (کم‌برانگیختگی)؛ بنابراین موقعیت‌هایی که برای افراد غیر حلیم، به شکل طبیعی برانگیزاننده است، برای افراد حلیم، یا برانگیزاننده نیست و یا به میزان کمتر برانگیزاننده است. در ادامه به نمونه‌ای از روایاتی که کدها از آن استخراج شده‌اند اشاره می‌شود. از امیرمؤمنان (ع) پرسیدند: «حلیم‌ترین مردم کیست؟»؛ ایشان پاسخ داد: «کسی که خشمگین نمی‌شود.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۸۳). همچنین در روایتی درباره ویژگی‌های پیامبر (ص) آمده است: «برای او، حلم در صبر جمع شده بود؛ از این رو هیچ چیز او را خشمگین نمی‌کرد و بر نمی‌انگیخت» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۱۹؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۸۳).

آستانه بالایی خودمهارگری: مقصود از آستانه خودمهارگری، میزانی از خشم است که تحت تأثیر آن، فرد کنترل و مهار خود را بر رفتار از دست می‌دهد. با توجه به کدهای ۶ تا ۲۴، افراد حلیم در مقایسه با دیگر افراد، آستانه خودمهارگری بالاتری دارند؛ یعنی میزان بیشتری از خشم نیاز است که آنان کنترل خود را بر رفتارشان از دست بدهند. در روایات فراوانی به این ویژگی ذاتی حلم با تعبیر «حلمی که با آن مالک خشم خود باشد» اشاره شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۰۷؛ ج ۴، ص ۲۸۶). این یک تعبیر کنایی است از این معنای صریح: «حلمی که با آن اختیار خشم خود را داشته باشد و بتواند آن را کنترل و

۱. در آیات و روایات بسیاری، واژه حلم درباره موقعیت‌های خشم به کار رفته است. با وجود این، به نظر می‌رسد حلم صفتی است که صرفاً مختص به موقعیت خشم نیست بلکه هر موقعیتی که مقتضی غلبان هیجانی در انسان باشد که بالقوه بتواند مدیریت عقل را بر افکار، هیجانات و رفتار به چالش بکشد، موقعیت حلم است (ر.ک هاشمی، ۱۴۰۱، ص ۷۳). البته با وجود ادله و مؤیداتی که بر عدم اختصاص حلم به هیجان خشم وجود دارد، به دلیل «اهمیت موضوع خشم و وابسته‌های آن از جمله مهار خشم یا پرخاشگری» و نیز «ادبیات دینی غنی پیرامون حلم در حوزه هیجان خشم»، پژوهش حاضر بر حلم در حوزه هیجان خشم متمرکز شده است.

مهار کند». این امر مستلزم این است که آستانه خودمهاری در شخص حلیم آن قدر بالا باشد که میزان خشم از آن آستانه بالاتر نرود.

کار بست راهبردهای تنظیم هیجان: با توجه به کدهای ۲۵ تا ۳۹، شخص حلیم، از توانمندی «خودآگاهی هیجانی» و «آگاهی از راهبردهای تنظیم هیجان» برخوردار است که زمینه‌ساز یکی از عناصر فعال حلم یعنی «کار بست راهبردهای تنظیم هیجان» در فرایند حلم است. شخص حلیم با آگاهی از برانگیختگی خود و میزان آن، می‌کوشد با استفاده از راهبردهایی، میزان برانگیختگی خود را کنترل و تعدیل کند. شاید بتوان «درنگ و عدم شتاب‌زدگی» را مهم‌ترین و بارزترین راهبرد تنظیم هیجان در فرایند تحقق حلم دانست به‌گونه‌ای که همواره در موارد حلم، حضور دارد و از آن جدایی‌ناپذیر است. برجستگی پیوند «حلم» با «درنگ کردن» تا آنجاست که بسیاری از اهل لغت، حلم را همان «درنگ کردن»^۱ دانسته‌اند (فرایدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۴۷ و ج ۸، ص ۴۰۱؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۱۹۰۳) و یا برخی دیگر، «درنگ کردن» را جزئی از معنای حلم برشمرده‌اند (ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۳۶۶؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ج ۱، ص ۱۴۰). در روایات نیز پیوند روشنی میان حلم و درنگ کردن وجود دارد؛ به‌عنوان نمونه، در روایتی، آمده است: «حلم و درنگ، دوقولوهایی هستند که بلندهمتی آنها را می‌زاید». (رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۴۶۰). بر پایه این روایت، حلم از درنگ، جدایی‌ناپذیر است و همواره همراه آن است؛ چراکه هر دو یک ریشه واحد (بلندهمتی) دارند. در مقابل «درنگ کردن»، مفهوم «شتاب‌زدگی»^۲ وجود دارد که در روایات بسیاری، ناهمسو با حلم معرفی شده است. برای نمونه، در روایتی آمده است: «همانا او (خداوند) زنده‌ای است که نمی‌میرد و توانایی است که ناتوان نمی‌شود و چیره‌ای است که شکست نمی‌خورد و حلیمی است که شتاب نمی‌ورزد» (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۷۶). با توجه به سیاق این روایت، شتاب‌ورزیدن امری است کاملاً ناهمسو با حلم به‌گونه‌ای که اگر ذره‌ای از آن وجود داشته باشد، نقصی در حلم الهی شمرده می‌شود. این راهبرد تنظیم هیجان را می‌توان با مفاهیم «بازداری پاسخ» و «تأخیر در ارضا» در روان‌شناسی، معادل یا همسو دانست. راهبرد «درنگ و عدم عجله»، به‌عنوان مقدمه‌ای ضروری، زمینه را برای اعمال سایر راهبردهای تنظیم هیجان فراهم می‌کند. در روایات، نمونه‌هایی از راهبردهای تنظیم و کاهش سطح برانگیختگی هنگام

۱. الأناة

۲. العجلة

خشم، ارائه شده است؛ از جمله «تغییر حالت سریع از ایستاده به نشسته» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۲)، «نزدیک شدن به خویشتن و هم‌خون و لمس آن‌ها» (همان) و «نشستن و تفکر در قدرت پروردگار و حلم او بر بندگان» (ابن شعبه، ۱۴۰۴، ص ۱۴).

پردازش موقعیت: مقصود از «پردازش موقعیت»، بررسی موقعیت برانگیزاننده‌ای است که شخص در آن قرار دارد تا در نتیجه این بررسی، ابعاد مختلف موقعیت (مانند آنچه دقیقاً اتفاق افتاده است، شرایط روحی و انگیزه‌های طرف مقابل و پیوندهای گوناگون با او، پیامدهای رفتارها و واکنش‌های مختلف)، به شکل کامل برای او واضح و روشن شود و بستر لازم برای تصمیم‌گیری صحیح و خردمندانه فراهم آید. این خرده‌مقوله، از کدهای ۴۰ تا ۵۳ استخراج شده است.

یکی از مهم‌ترین کلیدواژه‌های مرتبط با پردازش موقعیت، «تبیین» به معنای «واضح و روشن شدن یا تلاش برای واضح و روشن شدن» است. ابراهیم (ع) که یکی از نمادهای حلم در قرآن کریم است، تنها زمانی از عمویش بیزاری جست که درباره دشمنی او با خدا، به تبیین رسید (توبه: ۱۱۴). در پایان همین آیه، ابراهیم (ع) با صفت حلیم معرفی می‌شود. آیه «نبأ» (حجرات: ۶)، یکی دیگر از آیاتی است که می‌تواند بیانگر پیوند حلم با تبیین باشد؛ چراکه در این آیه، شتاب در اقدام علیه گروهی بدون تبیین هنگام دریافت خبری که گوینده آن مورد اطمینان نیست، رفتاری جاهلانه (که مقابل رفتار حلیمانه است) قلمداد شده است. ارتباط تبیین با حلم در روایات نیز مشهود است؛ برای نمونه: «[شخص متقی] حلمش از او دور نیست و در آنچه تردید دارد شتاب نمی‌ورزد و از آنچه برایش روشن شده است، چشم می‌پوشد» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۵۷۳). این روایت، بیان می‌کند که شخص حلیم، هنگام تردید و ابهام در موقعیت، اقدام شتاب‌زده نمی‌کند بلکه در پی تبیین (روشن شدن موقعیت) است.

واکنش اجتماعی خردمندانه: کنش اجتماعی خردمندانه کنشی اجتماعی و در ارتباط با دیگران است که به عنوان محصول و فراورده‌نهایی رفتاری حلم، با مدیریت عقل و خرد انجام می‌شود و تحت تأثیر طغیان هیجانات نیست. کدهای ۵۴ تا ۶۲ به این خرده‌مقوله اشاره دارد. برای نمونه، در حدیث جنود عقل و جهل، حلم یکی از جنود عقل و ضد آن یعنی سفه از جنود جهل دانسته شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۱)^۱. در روایتی

۱. این روایت، می‌تواند شاهد این باشد که فرایند حلم، عموماً یک فرایند خردمندانه است؛ از این رو «کاربست راهبردهای تنظیم هیجان» و «نیز پردازش موقعیت» نیز کنش‌های خردمندانه هستند. اما در این

دیگر، تعدادی از رفتارهای اجتماعی که بر حلم مترتب می‌شود، بیان شده است و در پایان گفته می‌شود که این‌ها اموری‌اند که برای «عقل» به واسطه حلمش حاصل می‌شوند (ابن شعبه، ۱۳۶۳، ص ۱۳)؛ بنابراین غایت و خروجی حلم، انجام رفتار اجتماعی خردمندانه یا همان «کنش اجتماعی خردمندانه» در موقعیت خشم است.

۲. نمودهای اجتماعی: با توجه به کدهای ۳۶۴ تا ۴۱۰، در آیات و روایات، مجموعه‌ای از رفتارهای اجتماعی به شخص حلیم نسبت داده شده است که به شکل طبیعی تنها در بستر حلم قابل تحقق هستند و از این رو می‌توانند به عنوان نشانه و نمود اجتماعی حلم تلقی شوند. این رفتارها در حقیقت، برخی از مصادیق «واکنش اجتماعی خردمندانه» هستند که عبارت‌اند از: اعراض (روی گردانی) و چشم‌پوشی (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۵۷۳)، سکوت کردن (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۰؛ ابن شعبه، ۱۳۶۳، ص ۱۶)، مهلت‌دادن (علی بن الحسین، ۱۳۷۶، دعای ۴۵، بند ۹؛ ابن شعبه، ۱۳۶۳، ص ۱۶)، بخشایش و گذشت (رضی، ۱۴۱۴، خطبه ۱۶۰ و ۱۹۱؛ نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴، ص ۳۱۸)، پذیرش عذر (ثقفی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۰۳؛ حسن بن علی (ع)، ۱۴۰۹، ص ۳۶۵)، عدم کینه‌ورزی (رضی، ۱۴۱۴، خطبه ۱۱۱)، بیان سخنان پسندیده (بقره: ۲۳۵ و ۲۶۳)، حفظ و استمرار نعمت پیشین (علی بن الحسین، ۱۳۷۶، دعای ۱۶، بند ۳۲) و نیکی کردن در برابر بدی‌ها (رضی، ۱۴۱۴، خطبه ۱۹۳). در اینجا به برخی از این آیات و روایاتی که کدها از آن استخراج شده است، اشاره می‌شود:

• در قرآن کریم خداوند به پیامبر (ص) توصیه می‌کند: «عفو پیش گیر و به پسندیده امر کن و از جاهلان روی گردان» (اعراف: ۱۹۹). از آنجا که جهل یکی از مقابل‌های حلم است، «روی گردانی از جاهلان» را می‌توان رفتاری حلیمانه دانست.

• روایت شده است: «هیچ حلمی مانند صبر و سکوت نیست.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۰) «سکوت کردن» را می‌توان یکی از مصادیق اعراض و روی گردانی دانست که در روایات، تأکید ویژه‌ای بر آن شده است.

• «از حلم این‌ها منشعب می‌شود: ... مهلت‌دادن، عمل پسندیده و سکوت» (ابن شعبه، ۱۳۶۳، ص ۱۶). مهلتی که شخص حلیم به طرف مقابل می‌دهد تا باز گردد و اشتباه خود را جبران کند، یکی از نمودهای حلم است که با «درنگ کردن» و «عدم

شتاب‌زدگی» تناسب بسیاری دارد.

۳. ویژگی‌ها: افزون بر مؤلفه‌ها و نمودهای اجتماعی، ویژگی‌های دیگری می‌توان برای حلم از آیات و روایات استنباط کرد که در فهم دقیق‌تر ماهیت حلم راهگشا هستند. در ادامه به این ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

حلم؛ صفت یا رفتار: با توجه به کدهای ۶۳ تا ۶۹، در بسیاری از روایات، حلم، یک توانمندی یا صفت پایدار قلمداد شده است. به‌عنوان نمونه، روایت شده است: «حلم یک صفت پایدار برتر است». (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۰۲). در عین حال، در برخی از روایات، حلم به منزله یک رفتار در نظر گرفته شده است؛ برای نمونه، در روایتی آمده است: «کسی که خشمی شدید را فرو برد در حالی که می‌تواند آن را اعمال کند و نسبت به شخص مقابل، حلم بورزد، خدا به او پاداش یک شهید را می‌دهد» (همان، ص ۱۵). در این روایت، سخن از «حلم‌ورزیدن» است و نه «حلم‌بودن». در مجموع، با توجه به اینکه، هر دو تلقی صفت و رفتار در روایات وجود دارد، حلم را باید صفتی بدانیم که اقتضای رفتاری خاص را دارد که ما آن را رفتار حلیمانه می‌نامیم.

حلم؛ امری دارای مراتب: با توجه به کدهای ۷۰ تا ۷۵، در روایات فراوانی، حلم به‌عنوان امری دارای مراتب قلمداد شده است. به‌عنوان نمونه، در روایتی، حلیم‌ترین شخص کسی است که خشمگین نمی‌شود (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۸۳). استفاده از صیغه تفضیل نشان می‌دهد که حلم، یک امر دارای مراتب است و درجات مختلفی از آن در اشخاص گوناگون حضور دارد. به لحاظ فنی، حلم یک ویژگی است که ارزش‌ها^۱ یا ابعاد^۲ گوناگونی برای آن قابل تصور است که می‌توان با ساخت سنجه‌ای این ارزش‌ها یا ابعاد گوناگون را در افراد مختلف اندازه‌گیری کرد.

حلم؛ اختصاص به موقعیت‌هایی که امکان اقدام جاهلانه وجود دارد: با توجه به کدهای ۹۰ تا ۹۹، خروجی رفتاری عاقلانه و خردمندانه، تنها زمانی حلیمانه شمرده می‌شود که شخص قدرت انجام رفتار نابخردانه را داشته باشد و در عین حال با مهار خشم خود، اقدام به رفتار عاقلانه کند. برخی از متون لغوی (ازدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۴۱) و نیز برخی اندیشمندان (کفعمی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۵) بر این امر تصریح کرده‌اند و تحلیل ارتکاز عرفی

۱. Values

۲. Dimentions

از مفهوم حلم نیز مؤید این امر است (ر.ک: هاشمی، ۱۴۰۱). افزون بر آن، در منابع روایی نیز شواهد و مؤیداتی برای این امر وجود دارد؛ برای نمونه، در روایتی آمده است: «حلم کسی نیست که ناتوان شود و خودداری کند و هنگامی که توانا شود، انتقام بگیرد؛ بلکه حلم کسی است که وقتی تواناست، عفو می‌کند و حلم بر امور او غالب است» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۱۲). از منظر روان‌تحلیل‌گری، با توجه به این ویژگی، می‌توان حلم را یکی از توانمندی‌های ایگو^۱ به شمار آورد.

حلم؛ عدم منافات با شدت رفتار و خشونت در جایگاه مناسب: دانستیم که خروجی رفتاری فرایند حلم، کنش خردمندانه است؛ یعنی کنشی که با مدیریت عقل و خرد اعمال می‌شود و نه تحت تأثیر طغیان هیجان خشم؛ بنابراین حلم تعیین‌کننده نوع رفتار خروجی نیست بلکه تسهیل‌کننده رفتار خردمندانه است. حال اگر در موقعیتی اقتضای رفتار خردمندانه، شدت رفتار و خشونت بود، صدور چنین رفتاری، منافاتی با حلم ندارد؛ چراکه این رفتار نه از روی طغیان هیجانات بلکه در شرایط هیجانی آرام ناشی از حلم و با نظارت عقل و خرد صورت گرفته است. با توجه به کدهای ۱۰۰ تا ۱۰۴، این امر از آیات و روایات نیز قابل برداشت است. به عنوان نمونه، با اینکه خداوند در قرآن کریم با صفت حلم معرفی شده است، در آیات بسیاری به عذاب، کیفر و خشم او نیز اشاره شده است. حلم؛ مفاهیم مرتبط و همسو و مفاهیم مقابل: یکی دیگر از اموری که می‌تواند فهمی دقیق‌تر از صفت حلم را فراهم آورد، توجه به مفاهیم مرتبط و همسو و مفاهیم مقابل حلم در بستر آیات و روایات است که عبارت‌اند از:

مفاهیم مقابل (کدهای ۱۱۴ تا ۱۲۰): جهل (انعام: ۱۱۰-۱۱۱)، سُبک‌سری^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۲)، طغیان (طور: ۳۲)، جفا (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۹۰)، بازیگوشی، شتاب‌زدگی و دمدمی مزاجی شدید^۳ (همان، ج ۶، ص ۵۱).

مفاهیم مرتبط و همسو (کدهای ۱۲۱ تا ۱۷۳): عقل (ابن‌شعبه، ۱۳۶۳، ص ۱۵)، رشد (هود: ۸۷)، علم (ابن‌شعبه، ۱۳۶۳، ص ۱۵)، صبر (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۱۹)،

۱. Ego strength

۲. السَّفَه

۳. العَرَامَةُ

درنگ کردن (رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۴۶۰)، بی‌نیاز^۱ (بقره: ۲۶۳)، بسیار آه‌کشنده^۲ (توبه: ۱۱۴)، هیبت و شکوه^۳ (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۱۱۳)، بازگشت‌کننده^۴ (هود: ۷۵)، بسیار آمرزنده^۵ (مائده: ۱۰۱)، بسیار سپاس‌گزارنده^۶ (تغابن: ۱۷)، حیا (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۱۱۲)، مدارا و همراهی^۷ (همان، ج ۱، ص ۴۸)، نفوذناپذیر و شکست‌ناپذیر^۸ (تغابن: ۱۷ و ۱۸)، حکیم (همان).

افزون بر این ویژگی‌ها، ویژگی‌های دیگری نیز همچون «اختیاری بودن تلبس به حلم» (کد ۱۱۱)، «امکان توقف فرایند حلم‌ورزی» (کد ۱۱۲) و «امکان عدم فعلیت حلم هنگام خشم» (کد ۱۱۳)، از روایات قابل استخراج است.

ب) شرایط زمینه‌ای حلم

مقصود از «شرایط زمینه‌ای»، عواملی است که در ماهیت و فرایند حلم حضور مستقیم ندارند ولی با تأثیر بر شرایط علی و مؤلفه‌های اصلی موجود در حلم و فرایند آن، زمینه‌های کنش حلیمانه را فراهم می‌کنند. این زمینه‌ها از کدهای ۲۵۸ تا ۲۸۹ استخراج شده‌اند. شرایط زمینه‌ای خود در سه دسته غیر هم‌سطح جای گرفته‌اند:

• نخست: «عوامل شکل‌دهنده ساختار روانی» (کدهای ۲۵۸-۲۶۵) که شامل وراثت (ابن‌بابویه، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۸)، محیط (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۲) و دعای والدین (صافات: ۱۰۰ و ۱۰۱) است.

• دوم: زمینه‌های مرتبط با «فضیلت‌ها و توانمندی‌های روانی» که تحت تأثیر «عوامل شکل‌دهنده ساختار روانی» هستند. این فضیلت‌ها و توانمندی‌ها عبارت‌اند از (کدهای ۱۷۴ تا ۲۵۷ و ۲۶۶ تا ۲۸۸): خردمندی (ابن‌شعبه، ۱۴۰۴، ص ۱۵)، بلندهمتی و گرایش به امور ارزشمند (رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۴۶۰)، گرایش به قسط و عدالت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲،

۱. الغنى

۲. الأواه

۳. الهیبة

۴. المنیب

۵. الغفور

۶. الشکور

۷. الرفق

۸. العزیز

ص ۵۱)، صلاح‌گرایی و فساد‌گریزی (صافات: ۱۰۰)، گرایش به انصاف (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۷۵)، کرامت (علی بن الحسین، ۱۳۷۶، دعای ۱، بند ۲۱ و دعای ۱۶، بند ۳۲)، حق‌گرایی (ابن‌شعبه، ۱۴۰۴، ص ۱۵ و کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۶)، مهربانی و خیرخواهی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۵۳)، وظیفه‌گرایی (صافات: ۱۰۰-۱۰۲)، ایمان به خدا و دین‌داری (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۴۰ و ص ۲۳۵)، تواضع و عدم تکبر (همان، ج ۱، ص ۱۶)، روحیه نقدپذیری و تحول‌خواهی (ابن‌شعبه، ۱۴۰۴، ص ۱۳)، قدرت‌سنجش و ارزش‌گذاری (هاشمی، ۱۴۰۱، ص ۱۰۰)، خودآگاهی هیجانی (همان، ص ۱۰۱)، مدیریت توجه (همان، ص ۱۰۰)، همدلی و علم و آگاهی (همان، ص ۱۰۱).

• سوم: «زمینه‌های هیجانی» که عبارت‌اند از (کدهای ۲۸۹ تا ۲۹۵): حضور هیجانات مثبت (هود: ۵۷) و عدم حضور هیجانات منفی (همان؛ ابن‌طاووس، ۱۳۴۸، ص ۸۳).

ج) شرایط علی

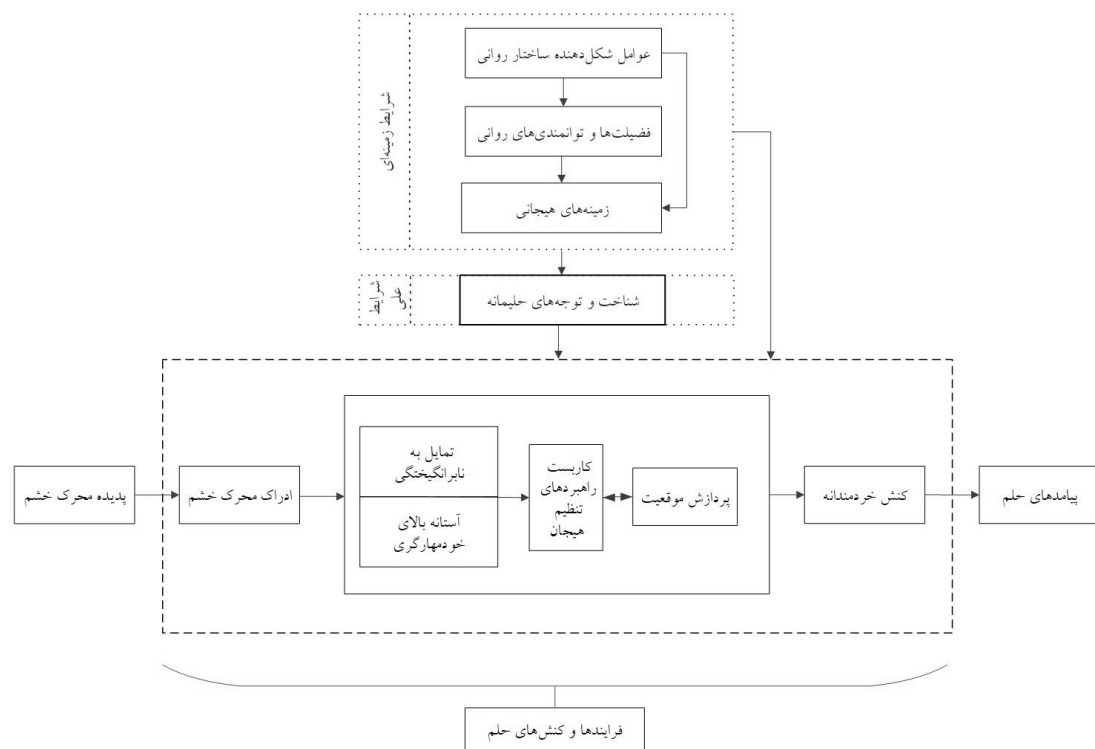
مقصود از «شرایط علی» اموری‌اند که در حیطه هشیار شخص قرار می‌گیرند و مستقیماً می‌توانند یک رفتار حلیمانه را نتیجه دهند. «شرایط علی» می‌توانند تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای باشند. این امور شامل دسته‌ای از آگاهی‌ها و توجه‌های حلیمانه هستند که عبارت‌اند از (کدهای ۲۹۶ تا ۳۲۹ و کدهای ۴۱۱ تا ۴۶۹): توجه به اینکه حلم کمال و فضیلت است (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۰۲)، توجه به فواید و پیامدهای مثبت حلم (هاشمی، ۱۴۰۱، ص ۸۳)، توجه به خطرات و پیامدهای ناگوار خشم (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۳)، توجه به خدا (ابن‌شعبه، ۱۴۰۴، ص ۱۳ و ص ۴۷)، توجه به پیوندها (انسانی، ایمانی، خانوادگی) (رضی، ۱۴۱۴، نامه ۵۳)، توجه به اهداف و کارهای مهم خود (رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۴۶۰)، توجه به ارزش خود و امور ارزشی منسوب به خود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۰۴)، توجه به توانمندی‌های خود و اینکه فرصت برای اقدام آینده هست (علی بن الحسین، ۱۳۷۶، دعای ۴۸، بند ۱۵)، توجه به ویژگی‌های مثبت طرف مقابل (هاشمی، ۱۴۰۱، ص ۸۴) و توجه به نیت‌ها و شرایط روحی طرف مقابل (همان، ص ۸۵).

(د) پیامدهای حلم

کدهای ۴۱۱ تا ۴۶۴ به پیامدهای حلم اختصاص دارند. مقصود از پیامدها، نتایج و آثاری است که در اثر تکمیل فرایند حلم برای شخص حلیم حاصل می‌شوند. این پیامدها را می‌توان در دو دسته پیامدهای فردی (کدهای ۴۱۱ تا ۴۳۳) و پیامدهای اجتماعی (کدهای ۴۳۴ تا ۴۶۴) قرار داد. پیامدهای فردی حلم عبارت‌اند از: محبوب و مورد پسند خدا و اهل بیت شدن (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۶ و ۱۱۲)، دستیابی به یکی از فضایل اخلاقی والا و مکارم اخلاق انبیاء (همان، ص ۱۰۷)، دستیابی به یکی از ویژگی‌های شیعیان و مؤمنان حقیقی و صالحان (همان، ص ۲۳۳ و ۲۳۵)، دستیابی به پاداش‌های معنوی مانند نزول فرشتگان و پاداش شهید (همان، ص ۱۱۳؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۵)، پایداری عمل (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶)، کسب زمینه برای فهم معارف عمیق (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۷۷) و دستیابی به زینت دانشمندان (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۵۵). پیامدهای اجتماعی حلم عبارت‌اند از: شرافت، عزت و جایگاه والای اجتماعی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۹ و ص ۲۱؛ ابن‌شعبه، ۱۳۶۳، ص ۸۰)، محبوبیت و ستودگی میان مردم (رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۴۱۸؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۱)، برخورداری از حمایت اجتماعی در نزاع‌ها (رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۲۰۶ و ۲۲۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۱۲)، پیروزی در نزاع‌ها (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۷؛ ج ۲، ص ۳۰۱) و کسب شایستگی برای برخی مسئولیت‌ها مانند رهبری، کارگزاری و فرماندهی نظامی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۰۷؛ مفید، ۱۴۱۳، ص ۸۲). با تأمل بر یافته‌های موجود در جدول ۲، کوشیده شد که روابط منطقی میان این مقوله‌ها و تأثیر و تأثر آنها بر روی یکدیگر در نموداری ترسیم شود. حاصل این کوشش در نمودار ۱ نمایش داده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به داده‌های موجود در جدول ۲ و نمودار ۱، آغازگر فرایند حلم، رخداد پدیده‌ای است که بالقوه می‌تواند محرک خشم باشد. آنچه ابتدا در ساحت روانی شخص حلیم رخ می‌دهد، ادراکی است که از این پدیده محرک تجربه می‌کند. پس از ادراک محرک خشم، هسته مرکزی حلم فعال می‌شود. در این هسته، شخص حلیم اولاً «تمایل به نابرانگیختگی» (عدم تمایل به خشمگین شدن) دارد؛ یعنی به‌سختی و کند برانگیخته می‌شود و در صورت برانگیختگی نیز با برخورداری از «آستانه بالای خودمهارگی» میزان



نمودار ۱ نمودار مفهومی حلم

برانگیختگی او از آستانه خود مهارگری او پایین تر است؛ بنابراین شخص می‌تواند خود را مهار کند.^۱ با توجه به اینکه شخص حلیم به میزانی کمتر از آستانه خودمهارگری‌اش خشمگین شده است، درنگ می‌کند و می‌کوشد سطح هیجانی خود را با «کار بست راهبردهای تنظیم هیجان» پایین آورد. این درنگ و تنظیم هیجان باعث می‌شود که شخص بتواند با «پردازش موقعیت» بهترین تصمیم را اتخاذ کند و «واکنش اجتماعی خردمندانه»ی از خود بروز دهد. با بروز «واکنش اجتماعی خردمندانه»، شخص از «پیامدها»ی مثبت حلم برخوردار می‌شود. در پایان، باید این نکته را در نظر داشت که کل این فرایند تحت تأثیر «شرایط زمینه‌ای» و «شرایط علی» است. بدین ترتیب نمودار ۱، همه مقوله‌های استخراج‌شده و روابط منطقی میان آنها را دربردارد و توضیح می‌دهد.

مقایسه‌ای میان نتایج پژوهش‌های پیشین (به‌عنوان نمونه: بذرگر، ۱۳۹۵؛ دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵؛ بهرامی، ۱۳۹۸) با یافته‌های پژوهش حاضر، روشن می‌کند که مدل مفهومی به دست آمده، عمده مطالبی را که پژوهش‌های پیشین به آنها دست یافته بودند، پوشش می‌دهد و افزون بر آن، ابعاد دیگری از حلم را نیز آشکار می‌کند؛ بنابراین می‌توان نتایج پژوهش حاضر را همسو با نتایج پژوهش‌های پیشین و مکمل آنها به شمار آورد. برای نمونه، در پژوهش بذرگر (۱۳۹۵)، به «تحلم» و «همت بلند» (همان، ص ۴۶) به‌عنوان «زمینه‌های حلم» و به «افزایش یاوران» (همان، ص ۴۷)، «گذشت» (همان)، «رفق» (ملاطفت) «همان، ص ۴۹»، «وقار» (همان)، «اعتدال» (همان، ص ۵۰)، «کنترل زبان» (همان) به‌عنوان «آثار حلم» اشاره شده است. در پژوهش حاضر نیز «بلندهمتی» به‌عنوان یکی از شرایط زمینه‌ای ذکر شده است و افزون بر آن موارد متعدد دیگری نیز به‌عنوان شرایط زمینه‌ای شناسایی شده‌اند (جدول ۲). در حوزه آثار و پیامدها نیز پژوهش حاضر، پس از تفکیک میان پیامدهای رفتاری^۲ (که با عنوان «نمودهای اجتماعی» ذکر شده است) و پیامدهای غیر رفتاری^۳ (که با عنوان «پیامدها» ذکر شده‌اند)، افزون بر پوشش بیشتر موارد ذکر شده در پژوهش بذرگر (۱۳۹۵)^۴، موارد متعدد دیگری نیز به این فهرست اضافه کرده است.

۱. این بخش از فرایند حلم می‌تواند بازتاب‌دهنده حلم به عنوان یک صفت باشد. ادامه فرایند نیز نمودهای رفتاری حلم را پوشش می‌دهد.

۲. منظور رفتارهای اجتماعی است که در فرایند حلم از شخص حلیم صادر می‌شود.

۳. منظور آثار مثبتی است که در اثر فرایند حلم برای شخص حلیم حاصل می‌شود.

۴. مواردی مانند «وقار» و «رفق» در پژوهش حاضر دیده نمی‌شوند؛ زیرا با توجه به معیار ذکرشده در روش پژوهش حاضر، مستندات این دو مورد از درجه اعتبار مورد نیاز برخوردار نبودند.

نمونه‌ای دیگر، دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۵) کارکرد حلم را، «مواجهه خردمندانه با جاهلان و درنگ کردن و تأمل نمودن در پاسخ به ایشان» دانسته است که همسو با مؤلفه‌های «واکنش اجتماعی خردمندانه»، «درنگ» و «پردازش موقعیت» است. برای نمونه پایانی، بهرامی، عبدی و خطیب (۱۳۹۸) در پژوهش خود به دو مؤلفه اصلی «خودمهارگری» و «کنش عاقلانه» دست یافته و برای هر یک نیز نشانگانی برشمرده‌اند که عبارت‌اند از: «کظم غیظ»، «صبر»، «تقوا»، «تحمل»، «تحلم» و «امهال» برای مؤلفه «خودمهارگری» و «عدم ناسزاگویی»، «گذشت»، «تغافل»، «سکوت» و «وقار» برای مؤلفه «کنش عاقلانه». با مقایسه این موارد با داده‌های موجود در جدول ۲، تقریباً تمام آنچه به‌عنوان مؤلفه‌ها و نشانگان حلم در پژوهش بهرامی مطرح شده است، در پژوهش حاضر نیز، در قالب‌ها و عناوین جدید و در پیوند با مفاهیم و مؤلفه‌های بیشتر، به چشم می‌خورد. افزون بر اینکه پژوهش حاضر کوشیده است با ارائه نمودار مفهومی، جایگاه و ارتباط این موارد را نیز مشخص کند.

یافته‌های حاصل را می‌توان از منظر روان‌شناسانه نیز بررسی کرد. با توجه به اینکه مفهوم حلم در ادبیات روان‌شناسانه مستقیماً وجود ندارد، ناچار باید با استفاده از مفاهیم روان‌شناسانه نزدیک و مرتبط، به این بررسی پرداخت. برای نمونه، می‌توان با ادبیات موجود پیرامون موضوع «پرخاشگری» (به‌عنوان مفهومی مقابل حلم) برخی از یافته‌های این پژوهش را ارزیابی کرد. پرخاشگری عبارت است از هر رفتاری که عمداً برای آسیب‌رساندن به شخص دیگری انجام می‌شود که انگیزه اجتناب از آسیب را دارد (بارون و ریچاردسون^۱، ۱۹۹۴؛ بوشمن و هیوسمن^۲، ۲۰۱۰؛ به نقل از: دیوال و همکاران، ۲۰۱۱). با توجه به مدل مفهومی به‌دست آمده، از لحاظ نظری، می‌توان پیش‌بینی کرد که میان حلم و پرخاشگری همبستگی منفی وجود دارد؛ بنابراین هر یک از مؤلفه‌های به دست آمده در مدل مفهومی حلم، باید با سازه‌هایی که در روان‌شناسی با پرخاشگری رابطه منفی دارند، هم‌بسته مثبت باشد و یا با سازه‌هایی که با پرخاشگری رابطه مثبت دارند، هم‌بسته منفی باشد.

برای بررسی این امر، «مؤلفه‌ها و عناصر فعال حلم» را در نظر می‌گیریم که عبارت‌اند از: «تمایل به نابرانگیختگی»، «آستانه بالای خودمهارگری»، «کاربست راهبردهای

۱. Baron & Richardson

۲. Bushman & Huesmann

تنظیم هیجان»، «پردازش موقعیت» و «واکنش اجتماعی خردمندانه».

مؤلفه «تمایل به نابرانگیزگی» را می‌توان تقریباً متضاد یا ناهمسو با سازه «صفت خشم»^۱ دانست. صفت خشم، نشان‌دهنده تمایل به تجربه دوره‌های مکرر و شدید خشم است (دفن بیکر^۲ و همکاران، ۱۹۹۶؛ اسپیلبرگر^۳، ۱۹۹۶). مطالعات گسترده پژوهشی نشان می‌دهد که این ویژگی، با ابراز رفتار پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز ارتباط دارد و گاهی اوقات آن را پیش‌بینی می‌کند (بارون و ریچاردسون، ۱۹۹۴؛ رول و نزدال^۴، ۱۹۷۶؛ به نقل از: پاروت و جیانکولا^۵، ۲۰۰۴). با توجه به رابطه مثبت «صفت خشم» با «پرخاشگری»، می‌توان نتیجه گرفت که مؤلفه «تمایل به نابرانگیزگی» (که متضاد یا ناهمسو با «صفت خشم» است)، با پرخاشگری رابطه منفی دارد و از این جهت، حضور آن به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حلم، تأیید می‌گردد.

سازه دیگری که می‌تواند با بخشی از مدل مفهومی (یعنی «آستانه بالای خودمهارگری») ارتباط برقرار کند، سازه «خودمهارگری»^۶ است. این مفهوم به‌عنوان ظرفیت نادیده گرفتن یک پاسخ خاص برای همسو شدن با پاسخ دیگر، تعریف شده است (دیوال و همکاران، ۲۰۱۱). بر این اساس، خودمهارگری باعث می‌شود در موقعیت‌های تحریک خشم، شخص از تمایل خود برای اعمال رفتار پرخاشگرانه صرف نظر کند و رفتارهای دیگری را جایگزین آن کند. مجموعه روبه‌رشدی از تحقیقات نشان می‌دهد که شکست خودکنترلی باعث افزایش تمایلات پرخاشگرانه و تقویت خودکنترلی باعث کاهش تمایلات پرخاشگرانه می‌شود (همان)؛ بنابراین حضور مؤلفه «آستانه بالای خودمهارگری» در مدل مفهومی حلم، تأیید می‌شود.

«کاربست راهبردهای تنظیم هیجان» یکی دیگر از مؤلفه‌های حلم است. بیان شد که «درنگ و عدم عجله» یکی از مهم‌ترین «راهبردهای تنظیم هیجان» است. سازه‌های متعددی

۱. Trait anger

۲. Deffenbacher

۳. Spielberger

۴. Rule & Nesdale

۵. Parrott & Giancola

۶. Self control

در روان‌شناسی با این راهبرد ارتباط دارند. برای نمونه، «تکانشگری»^۱ یکی از سازه‌هایی است که در نقطه مقابل «درنگ و عدم عجله» قرار می‌گیرد. به گفته برسین^۲ (۲۰۱۹)، «صفت تکانشگری»^۳ مدت‌هاست که به عنوان ایفاکننده نقش در پرخاشگری پیشنهاد شده است و یافته‌هایی تجربی از این پیش‌بینی حمایت کرده‌اند (برای مثال: میلر^۴ و همکاران، ۲۰۱۲؛ ویس^۵ و همکاران، ۲۰۱۷). با توجه به تأیید نقش «صفت تکانشگری» در پرخاشگری، حضور مفاهیم مقابل آن از جمله «درنگ و عدم عجله» در مدل مفهومی حلم، تأیید می‌شود.

مؤلفه «پردازش موقعیت» را نیز می‌توان با سازه «ارزیابی مجدد»^۶ (تشویقی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۶۸) مقایسه کرد. به گفته بارلت و اندرسون^۷ (۲۰۱۱) یافته‌ها نشان می‌دهند که «ارزیابی مجدد»، انتقام‌جویی و رفتار پرخاشگرانه را کاهش می‌دهد؛ بنابراین یافته‌های بارلت و اندرسون، می‌توانند به عنوان مؤیدی برای حضور مؤلفه «پردازش موقعیت» در مدل مفهومی حلم باشند.

یافتن مؤیدی در متون روان‌شناسی برای مؤلفه «کنش خردمندانه» به عنوان خروجی و غایت فرایند حلم، مشکل به نظر می‌رسد. با وجود این، می‌توان به پژوهش‌هایی اشاره کرد که به بررسی رابطه خردمندی و پرخاشگری پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، الوی و همکاران (۲۰۲۲) با بررسی ۲۰۰ نفر از مدیران مؤسسات به این نتیجه رسیده‌اند که ارتباط منفی معناداری میان خردمندی و پرخاشگری وجود دارد؛ بنابراین حلم به عنوان تعدیل‌کننده رفتار پرخاشگرانه، می‌تواند در ایجاد «کنش خردمندانه» نقش داشته باشد. بدین ترتیب، می‌توان ادعا کرد که همه عناصر و مؤلفه‌های فعال حلم که از متون اسلامی استخراج شده‌اند، دارای مؤیداتی در پژوهش‌های تجربی روانشناسانه نیز هستند.

۱. Impulsivity

۲. Bresin

۳. Trait impulsivity

۴. Miller

۵. Weiss

۶. Reappraisal

۷. Barlett & Anderson

منابع

- ابن اثیر، م. (۱۳۶۷). *النهاية في غريب الحديث والأثر*. قم: اسماعیلیان.
- ابن درید، م. (۱۹۸۸). *جمهرة اللغة*. بیروت: دار العلم للملایین.
- ابن سیده، ع. (۱۴۲۱). *المحكم والمحیط الأعظم*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن فارس، ا. (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- ابن بابویه، م. (۱۳۷۶). *الأمالی*. تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، م. (۱۳۹۸). *التوحید*. قم: جامعہ مدرسین.
- ابن بابویه، م. (۱۳۷۸). *عیون أخبار الرضا (ع)*. تهران: جهان.
- ابن بابویه، م. (۱۴۱۳). *من لا یحضره الفقیه*. قم: جامعہ مدرسین.
- ابن شعبه، ح. (۱۳۶۳). *تحف العقول*. قم: جامعہ مدرسین.
- ازدی، ع. (۱۳۸۷). *کتاب الماء (لغت نامه جامع پزشکی)*. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- ازهری، م. (۱۴۲۱). *تهذیب اللغة*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- آسیابان سرنجی، م. (۱۳۹۶). *الگوی حلم-جهل در آموزه‌های رضی، ۱۴۱۴ و نقد الگوی معناساختی ایزوتسو با آن*، کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور اصفهان، مرکز پیام نور کاشان.
- ایزوتسو، ت. (۱۳۷۳). *خدا و انسان در قرآن*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ایمان، م. و نوشادی، م. (۱۳۹۰). *تحلیل محتوای کیفی*. عیار پژوهش در علوم انسانی، ۶: ۱۵-۴۴.
- بذرگر، م. (۱۳۹۵). *معناسازی واژه حلم در ادبیات عربی اعم از حوزه لغت، قرآن کریم و حدیث*، کارشناسی ارشد رشته قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- تشویقی، م.، رضایی ملاجق، ر.، نیسی، ص. و طیار، ا. (۱۴۰۱). *تدوین مدل رضایت زناشویی براساس شفقت خود و تنظیم هیجان: نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری روان‌شناختی*. *دوفصلنامه علمی روان‌شناسی فرهنگی*، (۲) ۶: ۶۵-۸۲.
- برقی، ا. (۱۳۷۱). *المحاسن*. قم: دار الکتب الإسلامیة.
- بهرامی، م.، عبدی، ح. و خطیب، م. (۱۳۹۸). *تدوین مدل مفهومی حلم بر اساس منابع اسلامی و روان‌شناختی*، کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی اسلامی مثبت‌گرا، دانشگاه قرآن و حدیث.
- تیمور نژاد، ع. و عبدی، ح. (۱۴۰۱). *بازنمایی فرایند روان‌شناختی حسن خلق بر اساس متون اسلامی: مطالعه کیفی*، پژوهشنامه روان‌شناسی اسلامی، ۱۶: ۳۰-۳.
- ثقفی، ا. (۱۳۹۵). *الغارات*. تهران: انجمن آثار ملی.
- جوهری، ا. (۱۳۷۶). *الصحاح (لجوهری)*. بیروت: دار العلم للملایین.
- حمیری، ع. (۱۴۱۳). *قرب الإسناد*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- خرقانی، ح. و معافی، م. (۱۳۹۵). *گستره معنایی حلم در لغت و حدیث*. همایش ملی واژه‌پژوهشی در علوم اسلامی، دوره اول.
- خنیف، ح. و مسلمی، ن. (۱۴۰۱). *اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی*. انتشارات نگاه دانش.
- دهخدا، ع. ا. (۱۳۷۷). *لغتنامه دهخدا*. مؤسسه انتشارات و چاپ و نشر دانشگاه تهران.

- دهقانی فیروزآبادی، ح. (۱۳۹۵). *تفاوت معنایی صبر و حلم؛ رویکرد قرآنی، روایی و ادبی*. دانشنامه علوم قرآن و حدیث، ۳ (۶): ۱۶۱-۱۷۷.
- راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۲). *مفردات ألفاظ القرآن*. صفوان عدنان داوودی، دار الشامیه | دار القلم.
- رضی، م. (۱۴۱۴). *نهج البلاغه*. قم: هجرت.
- رفیعی هنر، ح. (۱۳۹۵). *روانشناسی مهار خویشتن با نگرش اسلامی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- زمخشری، م. (۱۹۷۹). *أساس البلاغه*. بیروت: دار صادر.
- طباطبایی، م. ک. (۱۳۹۳). *منطق فهم حدیث*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- شریفی اصفهانی، م. (۱۳۹۶). *تاب‌آوری در قرآن کریم*، همایش میان‌رشته‌ای قرآن کریم.
- طباطبایی، م. ح. (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عباسی، ر. (۱۳۹۴). *بررسی تطبیقی کنترل خشم و پرخاشگری از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی*. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصول دین قم.
- علی بن الحسین. (۱۳۷۶). *الصحيفة السجادية*. قم: نشر الهادی.
- فراهیدی، خ. (۱۴۰۹). *العین*. قم: مؤسسه دار الهجرة.
- عوافی، ز. (۱۳۹۴). *مقایسه ساختار معنایی حلم، صبر و کظم غیظ از دیدگاه آیات و روایات*. کارشناسی ارشد مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی.
- فلاح، م. و عوافی، ز. (۱۳۹۶). *معناشناسی قرآنی حلم و کظم غیظ با رویکرد تفسیری*، فصلنامه علمی-پژوهشی *مطالعات تفسیری*، ۳۲: ۱۶۱-۱۷۶.
- قائدی، م. ر. و گلشنی، ع. ر. (۱۳۹۵). *روش تحلیل محتوا، از کمی گرایی تا کیفی گرایی*. مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۲۳: ۵۷-۸۲.
- کلینی، م. (۱۴۰۷). *الکافی*. قم: دار الکتب الإسلامیه.
- کیومرثی، م. ر. (۱۳۹۱). *مهار خشم: بررسی روان‌شناختی خشم و مهار آن از دیدگاه اسلام*. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- لیثی واسطی، ع. (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- مختاری، ق.، شیخ حسینی، ز. و نظیری سنجانی، ف. (۱۳۹۵). *تحلیل معنایی واژه حلم و مشتقات آن در قرآن کریم و رضی، ۱۴۱۴ بر اساس نظریه بافت*. فصلنامه تخصصی تفسیر، علوم قرآن و حدیث، ۸ (۲۹): ۱۶۵-۱۳۹.
- ملکی بابھویزی، ز. (۱۴۰۰). *الگوی قرآنی-روایی حلم و نقش آن در تحکیم خانواده*. دکترای تخصصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، دانشکده علوم انسانی.
- مفید، م. (۱۴۱۳). *الأمالی (للمفید)*. قم: کنگره شیخ مفید.
- مؤمنی راد، ا.، علی‌آبادی، خ.، فردانش، ه. و مزینی، ن. (۱۳۹۲). *تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج*، اندازه‌گیری تربیتی، ۱۴: ۱۸۷-۲۲۲.
- میری، م. و فائزی، م. (۱۳۹۶). «جایگاه حلم در مدیریت رفتار در هنگام غضب با تکیه بر آیات و روایات»، همایش ملی پژوهش‌های نوین در علوم رفتاری و مطالعات فرهنگی اجتماعی، مشهد.

نصر بن مزاحم. (۱۴۰۴). وقعة صفین. قم: مؤسسة العربية الحديثة.

- Alvi, S. M., Khan, A., & Tariq, H. (2022). Effect of Wisdom on Aggression and Decision Making Among Heads of Institutes. *International Journal of Business and Economic Affairs*, 7 (3), 78-83.
- Barlett, C. P., & Anderson, C. A. (2011). Reappraising the situation and its impact on aggressive behavior. *Personality and Social Psychology Bulletin*, (1237), 1573-1564.
- Baron, R. A., & Richardson, D. R. (1994). *Human aggression*. Springer Science & Business Media.
- Bresin, K. (2019). Impulsivity and aggression: A meta-analysis using the UPPS model of impulsivity. *Aggression and violent behavior*, 48, 124-140.
- Bushman, B., & Huesmann, R. (2010). Aggression. Fiske TS, Gilbert, TD, Lindzey G, eds. *Handbook of Social Psychology*. New York: John Wiley & Sons, 5, 863.
- Buss, A. H., & Perry, M. (2001). The Aggression Questionnaire. *Journal of Personality and Social Psychology*, 33, 451-459.
- DeWall, C. N., Finkel, E. J., & Denson, T. F. (2011). Self-control inhibits aggression. *Social and Personality Psychology Compass*, 5 (7), 458-472.
- Diefendorff, J. M., Hall, R. J., Lord, R. G., & Streat, M. L. (2000). Action-state orientation: Construct validity of a revised measure and its relationship to work-related variables. *Journal of Applied Psychology*, 85, 250-263.
- Creswell, J. W. (2012). *Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research*. Pearson Education, Inc.
- Deffenbacher, J. L., Oetting, E. R., Thwaites, G. A., Lynch, R. S., Baker, D. A., Stark, R. S., ... & Eiswerth-Cox, L. (1996). State-trait anger theory and the utility of the trait anger scale. *Journal of Counseling Psychology*, 43 (2), 131.
- Diefendorff, J.M., Hall, R.J., Lord, R.G. & Streat, M.L. (2000). Action-state orientation: Construct validity of a revised measure and its relationship to work-related variables. *Journal of Applied Psychology*, 85, 250-263.
- Glaser, B., & Strauss, A. (1967). *The discovery of grounded theory*. Chicago: Aldine.
- Gross, J. J., & Muñoz, R. F. (1995). Emotion regulation and mental health. *Clinical psychology: Science and practice*, 2 (2), 151-164.
- Hendricks, M. A., & Buchanan, T. W. (2016). Individual differences in cognitive control processes and their relationship to emotion regulation. *Cognition and Emotion*, 30 (5), 912-924.
- Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15 (9), 1277-1288.
- Koole, S. L. (2009). Does emotion regulation help or hurt self-regulation. *Psychology of self-regulation: Cognitive, affective, and motivational processes*, 11, 217-231.
- Koole, S. L. (2010). *The psychology of emotion regulation: An integrative review* (pp. 138-177). Psychology press.
- Luerssen, A., & Ayduk, O. (2014). The role of emotion and emotion regulation in the ability to delay gratification.
- Mayring, Philipp (2000), "Qualitative Content Analysis" In, *Forum Qualitative Sozialforschung / Forum: Qualitative Social Research* [On-line Journal], 1 (2) Available at: <http://qualitative-research.net/fqs/fqs-e/2-00inhalt-e.htm>.
- Miller, J. D., Zeichner, A., & Wilson, L. F. (2012). Personality correlates of aggression: Evidence from measures of the five-factor model, UPPS model of impulsivity, and BIS/BAS. *Journal of interpersonal violence*, 27 (14), 2903-2919.
- Murray, S. L. (2005). Regulating the risks of closeness: A relationship-specific sense of felt security. *Current Directions in Psychological Science*, 14, 74-78.
- Parrott, D. J., & Giancola, P. R. (2004). A further examination of the relation between trait anger and alcohol-related aggression: The role of anger control. *Alcoholism: Clinical and*

- Experimental Research, 28 (6), 855-864.
- Patton, M. Q. (1990). *Qualitative evaluation and research methods* (2nd ed.). Newbury Park, CA: Sage.
- Purnamaningsih, E. H. (2017). Personality and emotion regulation strategies. *International Journal of Psychological Research*, 10 (1), 53-60.
- Roberton, T., Daffern, M., & Bucks, R. S. (2012). Emotion regulation and aggression. *Aggression and violent behavior*, 17 (1), 72-82.
- Rule B, Nesdale A (1976) Emotional arousal and aggressive behavior. *Psychol Bull* 83: 851–863.
- Sapolsky, R. M. (2007). Stress, stress-related disease, and emotional regulation. In J. J. Gross (Ed.), *Handbook of emotion regulation*. New York: Guilford Press.
- Schreiber, L. R., Grant, J. E., & Odlaug, B. L. (2012). Emotion regulation and impulsivity in young adults. *Journal of psychiatric research*, 46 (5), 651-658.
- Spielberger C (1996) *State-Trait Anger Expression Inventory: Professional Manual*. Psychological Assessment Resources, Odessa, FL.
- Strauss A & Corbin J (2015). *Basics of Qualitative Research* (4th edition), SAGE Publications.
- Tice, D. M., & Bratslavsky, E. (2000). Giving in to feel good: The place of emotion regulation in the context of general self-control. *Psychological inquiry*, 11 (3), 149-159.
- Patton, M. (2001), *Qualitative research & Evaluation Methods*, London: Sage publication Ltd.
- Petty, N. J., Thomson, O. P., & Stew, G. (2012). Ready for a paradigm shift? Part 2: Introducing qualitative research methodologies and methods. *Manual therapy*, 17 (5), 378-384.
- Weiss, N. H., Connolly, K. M., Gratz, K. L., & Tull, M. T. (2017). The role of impulsivity dimensions in the relation between probable posttraumatic stress disorder and aggressive behavior among substance users. *Journal of dual diagnosis*, 13 (2), 109-118.
- Williams, T. Y., Boyd, J. C., Cascardi, M. A., & Poythress, N. (1996). Factor structure and convergent validity of the Aggression Questionnaire in an offender population. *Psychological Assessment*, 8 (4), 398.
- Zelazo, P. D., & Cunningham, W. A. (2007). Executive function: Mechanisms underlying emotion regulation.